تا گریه بر حسین(ع) تمنای خلقت است
بین من و تمام ملائک رقابت است

نزدیک می کند دل ما را به هم حسین(ع)
این اشک روضه نیست، که عقد اخوت است

مقبول اگر شداست نمازی که خوانده ایم
مهر قبولیش به خدا مهر تربت است

ما از غدیر سینه زن کربلا شدیم
این دست های رو به خدا دست بیعت است

پیدا شدیم هرچه در این راه گم شدیم
یعنی فقط حسین(ع) چراغ هدایت است

از دخل آبروی حسین(ع) است خرج ما
نوکر برای صاحبش اسباب زحمت است

قران و منبر و دوسه خط روضه ی عطش
ساعات خوب هفته همین چند ساعت است

حالا که بغض بسته به من راه حرف را
مقتل بخوان که موقع ذکر مصیبت است

افتاده بود روی زمین زبر دست و پا
شعرم تمام می شود اینجا روایت است

که چون تنگ شد بر او میدان

فتاد از حرکت ذوالجناح از جولان

نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت
نه سیدالشهدا بر جدال طاقت داشت

هوا ز باد مخالف چو قیرگون گردید
عزیز فاطمه(س) از اسب سرنگون گردید

بلند مرتبه شاهی زصدر زین افتاد
اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد